

عهد جدید: جلد هفتم
اناجیل، بخش ۷
خداوندی مسیح

نویسنده: روت ب. گراینر

طراح: فرانسس ه. هرتسلر

طراح رایانه‌ای: اد اولسون

Translated and edited by
Melena Shahverdian, Sourik Saiad

ترجمه و ویرایش: ملنا شاه‌وردیان، سوریک صیاد

©2009 Bible Visuals International

PO Box 153, Akron, PA 17501

Telephone: 717-859-1131 Fax: 717-859-4360

www.biblevisuals.org

درس اول

خوراک برای پنج هزار نفر!

قسمت مورد مطالعه کلام: متی ۱۴: ۲۱-۳۱، مرقس ۶: ۳۰-۴۴، لوقا ۹: ۱۰-۱۷، یوحنا ۶: ۱-۱۵ و ۵۱-۶۶
هدف درس: درک اینکه عیسی مسیح، خالق جهان، قادر است تا همه نیازهای روحانی و جسمانی ما را برآورده کند.

آنچه شاگردان شما باید بدانند: پسر اطاعت کرد و هر آنچه برای خوردن داشتند را به مسیح داد.

آنچه شاگردان شما باید احساس کنند: تمایل به اطاعت.

آنچه شاگردان شما باید انجام دهند:

نجات نیافته‌گان: به عیسی مسیح ایمان آورند.

نجات یافته‌گان: خود را کاملاً به خدا بسپارند.

رئوس مطالب درسی (جهت اطلاع معلم و شاگردان):

۱. عیسی به همراه شاگردان به جای خلوتی رفتند تا استراحت کنند. (لوقا ۹: ۱۰، مرقس ۶: ۳۰-۳۱)
۲. عیسی به مردم تعلیم می‌دهد تا از او پیروی کنند. (متی ۱۴: ۱۳-۱۴، مرقس ۶: ۳۲-۳۴، لوقا ۹: ۱۱، یوحنا ۶: ۱-۳)
۳. عیسی با پنج نان و دو ماهی به مردم غذا داد. (متی ۱۴: ۱۵-۱۹، مرقس ۶: ۳۵-۴۱، لوقا ۹: ۱۲-۱۶، یوحنا ۶: ۴-۱۱)
۴. عیسی نان حیات است که حیات جاودان می‌بخشد. (متی ۱۴: ۱۹-۲۱، مرقس ۶: ۴۱-۴۴، لوقا ۹: ۱۶-۱۷، یوحنا ۶: ۱۱-۱۵ و ۵۱-۶۶)

آیه حفظی:

«به نام عیسی هر زانویی خم شود، و هر زبانی اقرار کند که عیسی مسیح، خداوند است برای تمجید

خدای پدر.» (فیلیپیان ۲: ۱۰ قسمت اول و ۱۱)

قابل توجه معلم:

وقتی عیسی به ۵۰۰۰ نفر خوراک داد، ظاهراً یک سال و نیم از خدمتش بر زمین می‌گذشت. اما در کتاب مقدس فقط یک نمونه وجود دارد که در طول این یک سال و نیم شاگردان عنوان "خداوند" را برای عیسی مسیح به کار برده‌اند. (متی ۸: ۲۵. همین واقعه در مرقس ۴: ۳۶-۴۱ و لوقا ۸: ۲۲-۲۵ نیز آمده است. در مرقس و لوقا به جای واژه "خداوند"، از "استاد" استفاده شده.) در متی ۱۳: ۵۱ کاملاً واضح نیست که فردی که کلمه "خداوند" را به کار برد یکی از شاگردان باشد.

دیگران عیسی مسیح را خداوند خطاب می‌کردند. به احتمال زیاد از این واژه برای نشان دادن احترام استفاده کرده‌اند. آنها او را استاد می‌دانستند. اما در عین حال، عنوان "خداوند" وقتی برای عیسی مسیح استفاده می‌شود به معنای بیهوده (از نام‌های خداوند) است. او "عمانویل"، *خدا با ماست*.

در درس اول، عنوان "خداوند" در کتاب مقدس استفاده نشده است. در درس دوم، سه بار این عنوان استفاده شده. ابتدا، پطرس صدا می‌زند: «خداوندا، اگر...»، بعد می‌گوید: «خداوندا، مرا نجات بده!» و سپس وقتی اعتراف می‌کند که مسیح پسر خدای زنده است، می‌گوید: «خداوندا، نزد چه کسی برویم؟»

بعد از تبدیل هیأت، (درس سوم) شاگردان به تکرار مسیح را "خداوند" خطاب می‌کنند. آنها به تدریج متوجه می‌شوند که عیسی مسیح، واقعاً خداوند است. اما فراموش نکنید که دیگران متوجه شده بودند یا نه، *او همیشه خداوند است*. او آقا و استاد است، چون او خداوند است.

درس

عیسی مسیح نام‌های بسیاری دارد. برای نمونه: پسر انسان، نجات‌دهنده، بره‌خدا، خداوند، عیسی مسیح. هر اسمی معنایی دارد. برای مثال "عیسی" یعنی کسی که ما را از گناهان نجات می‌دهد. (متی ۱: ۲۱) "مسیح" یعنی وعده داده شده [ماشیح]. (یوحنا ۱: ۱۱، ۴: ۲۵، ۱۷: ۳، لوقا ۲۴: ۴۶)

در این درس معنی نام "خداوند" را یاد خواهیم گرفت. پس در بالای صفحه دفترتان بنویسید خداوندی مسیح. در زیر آن آیه حفظی (فیلیپیان ۲: ۱۰ قسمت اول و ۱۱) را بنویسید. یادداشت کنید:

"خداوند" یعنی یهوه (از نام‌های خدا).

خداوند عیسی، خدا با ماست. (متی ۱: ۲۳)

چون عیسی خداوند است، پس این حق را دارد که سرور و استاد ما باشد. در طی این سری درس‌ها، یاد خواهیم گرفت که خدای پسر، عیسی مسیح، شایسته اطاعت، هدایا، پرستش و خدمت ماست.

قرن‌ها مردم در انتظار آمدن پسر خدا به زمین بوده‌اند. (برای مثال به وعده آمدن عیسی در اشعیا ۹: ۶ مراجعه کنید.) آنهایی که کلام خدا را مطالعه کرده بودند، می‌دانستند که فردی که خواهد آمد نبی است. (تثنیه ۱۸: ۱۵، ۱۸-۱۹). همچنین می‌دانستند که او پادشاه است. (ارمیا ۲۳: ۵، زکریا ۹: ۹). حالا کسی آمده که معجزات بسیاری انجام می‌دهد. مردم از نزدیک کارهای مسیح را می‌دیدند و به تعالیمش گوش می‌کردند.

۱. عیسی به همراه شاگردان به جای خلوتی رفتند تا استراحت کنند.

(لوقا ۹: ۱۰، مرقس ۶: ۳۰-۳۱)

روزی شاگردان از سفری بشارتی پُرمشغله و خسته‌کننده برگشته بودند. (متی ۱۰: ۵-۸، لوقا ۹: ۱-۲). آنها می‌خواستند اتفاقاتی را که آنجا افتاده بود را به مسیح بگویند. اما جمعیت زیادی آنجا بود، صدها یا شاید هزاران نفر! آنها به طرف عیسی هجوم می‌آوردند و شاگردان وقتی برای خوردن یا استراحت نداشتند.

تصویر شماره ۱ را نشان دهید

عیسی می‌دانست که شاگردان به چه چیزی نیاز دارند، پس به آنها گفت:

«بیایید به جای خلوتی برویم تا کمی استراحت کنید.»

پس عیسی و دوازده شاگرد سوار قایقی شدند و در دریا (دریاچه) جلیل به طرف جای خلوتی نزدیک بیت صیدا به راه افتادند.



۲. عیسی به مردم تعلیم می‌دهد تا از او پیروی کنند.

(متی ۱۴: ۱۳-۱۴، مرقس ۶: ۳۲-۳۴، لوقا ۹: ۱۱، یوحنا ۶: ۱-۳)

اما بسیاری دیدند که عیسی و شاگردان آنجا را ترک کردند. این خبر خیلی زود به شهرهای اطراف رسید که: «عیسی دارد به آن طرف دریاچه می‌رود!» مردان و زنان، پسران و دختران قدرت و را در شفای مریضان دیده بودند. آنها می‌خواستند که همه جا به دنبال عیسی بروند تا معجزات بیشتری ببینند. جمعیت زیادی با پای پیاده ساحل دریاچه جلیل را دور زدند. و وقتی عیسی و شاگردان به آن طرف دریاچه رسیدند، مردم آنجا در انتظارشان بودند. آیا عیسی از اینکه مردم به دنبالش رفته بودند عصبانی بود؟ نه! دلش به حالشان سوخت. آنها به کسی نیاز داشتند که آنها را رهبری کند و از آنها مراقبت کند. پس عیسی آنها را پذیرفت.

اما فکر می‌کنید شاگردان با دیدن این صحنه چه احساس داشتند؟ نمی‌توانستند طبق برنامه در خلوت با مسیح صحبت کنند. در کنار این جمعیت نمی‌شد استراحت کنند. و چطور می‌توانستند در این شرایط غذا بخورند؟

مردم روی تپه‌ای کنار دریاچه جمع شدند. و عیسی به آنها تعلیم می‌داد. مردم بیشتر و بیشتر شدند - صدها مرد و زن و کودک. چیزی نگذشت که تعداد جمعیت به ۱۰۰۰۰، بعد ۲۰۰۰۰، ۳۰۰۰۰ نفر رسید. در آخر این تعداد به ۵۰۰۰۰ زن و مرد و کودک رسید! آنها به تعالیم عیسی گوش می‌دادند. بعضی از آنها بیمار بودند. شاید آنها برای شفا آمده بودند، چون قبلاً راجع به مسیح و کارهایش شنیده بودند. و می‌دانید مسیح چه کرد؟ او آنها را همان روز شفا داد!

تمام بعدازظهر، مردم به حرف‌های عیسی گوش می‌کردند. به نظر فراموش کرده بودند که وقت غذاست. تا حالا کسی را به خوبی عیسی ندیده بودند.

تصویر شماره ۲ را نشان دهید

غروب شد. شاگردان تا جایی که می‌توانستند صبر کردند. بالاخره خسته شدند و به عیسی گفتند: «اینجا چیزی برای خوردن نیست. این مردم را به روستاهای اطراف بفرست تا چیزی برای خوردن و جایی برای خوابیدن پیدا کنند.»

اما عیسی گفت: «لازم نیست جایی بروند. به آنها چیزی بدهید که بخورند.»

فیلیپس (یکی از شاگردان) گفت: «مزد دویست روز هم برای خریدن نان برای



این جمعیت کافی نیست!»

عیسی از شاگردان پرسید: «ببینید اینجا چقدر نان وجود دارد؟»

۳. عیسی با پنج نان و دو ماهی به مردم غذا داد.

(متی ۱۴: ۱۵-۱۹، مرقس ۶: ۳۵-۴۱، لوقا ۹: ۱۲-۱۶، یوحنا ۶: ۴-۱۱)

شاگردان به میان جمعیت رفتند تا غذا پیدا کنند. وقتی پیش عیسی برگشتند، فقط آندریاس خوش خبر بود. اما او هم راضی به نظر نمی‌رسید. «پسری هست که ۵ نان و ۲ ماهی دارد. اما برای این جمعیت فایده‌ای ندارد.»

عیسی گفت: «آنها به من بدهید.»

تصویر شماره ۳ را نشان دهید

پسرک با خودش گفت: عیسی می‌خواهد با ۵ نان و ۲ ماهی چکار کند؟ او به دقت به عیسی نگاه کرد. عیسی مسیح به شاگردان گفت که به مردم بگویند که روی چمن تپه به صورت گروه‌های پنجاه و صد نفره بنشینند. عیسی ۵ نان و دو ماهی را از دست پسر گرفت، به آسمان نگاه کرد، و به خاطر آنها خدا را شکر کرد. (و مطمئناً، او برای آن پسر هم از خدا تشکر کرد!)



۴. عیسی نان حیات است که حیات جاودان می‌بخشد.

(متی ۱۴: ۱۹-۲۱، مرقس ۶: ۴۱-۴۴، لوقا ۹: ۱۶-۱۷، یوحنا ۶: ۱۱-۱۵ و ۵۱-۶۶)

تصویر شماره ۴ را نشان دهید

سپس، عیسی نان و ماهی را تقسیم کرد. کمی به فیلیپس و آندریاس داد، و همینطور به شاگردان دیگر. به نوبت شاگردان نیز آنها را به نفر بعدی دادند و پیش عیسی برگشتند تا دوباره به آنها نان و ماهی بدهد. همینطور ادامه دادند تا اینکه همه به حد کافی - حتی بیشتر از حد کافی، خوردند و سیر شدند. عیسی به شاگردان گفت که آنچه از نان و ماهی باقی مانده و نخورده‌اند را جمع‌آوری کنند تا چیزی بیهوده هدر نرود. شاگردان غذای اضافی را در سبدها ریختند - ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۲... سبد با نان و ماهی اضافی پر شد. شکر خدا: دوازده سبد از ناهار آن پسر که ۲ ماهی و ۵ نان بود و با اطاعت به مسیح داده بود، پر شد.



وقتی مردم این معجزه را دیدند، گفتند: «این همان نبی است که ما منتظرش بودیم!» بی شک بعضی‌ها این وعده را به یاد آوردند که: کسی که باید بیاید، فقیران را با نان سیر خواهد کرد. (مزمور ۱۳۲: ۱۵)

مردم آنقدر به وجد آمده بودند که به زور عیسی را پادشاه کنند. وقتی عیسی این را فهمید، فوراً آنجا را ترک کرد و به بالای کوهی رفت تا تنها باشد. بعدها روزی خواهد رسید که او پادشاه خواهد بود. اما قبل از آن مسیح باید می‌مرد. این موضوع را روز بعد اینطور به مردم گفت: «من نان حیات هستم که از آسمان آمده. اگر کسی از این نان بخورد، حیات جاودان خواهد داشت. و نانی که من خواهم داد جانم است که برای مردم جهان خواهم داد.»

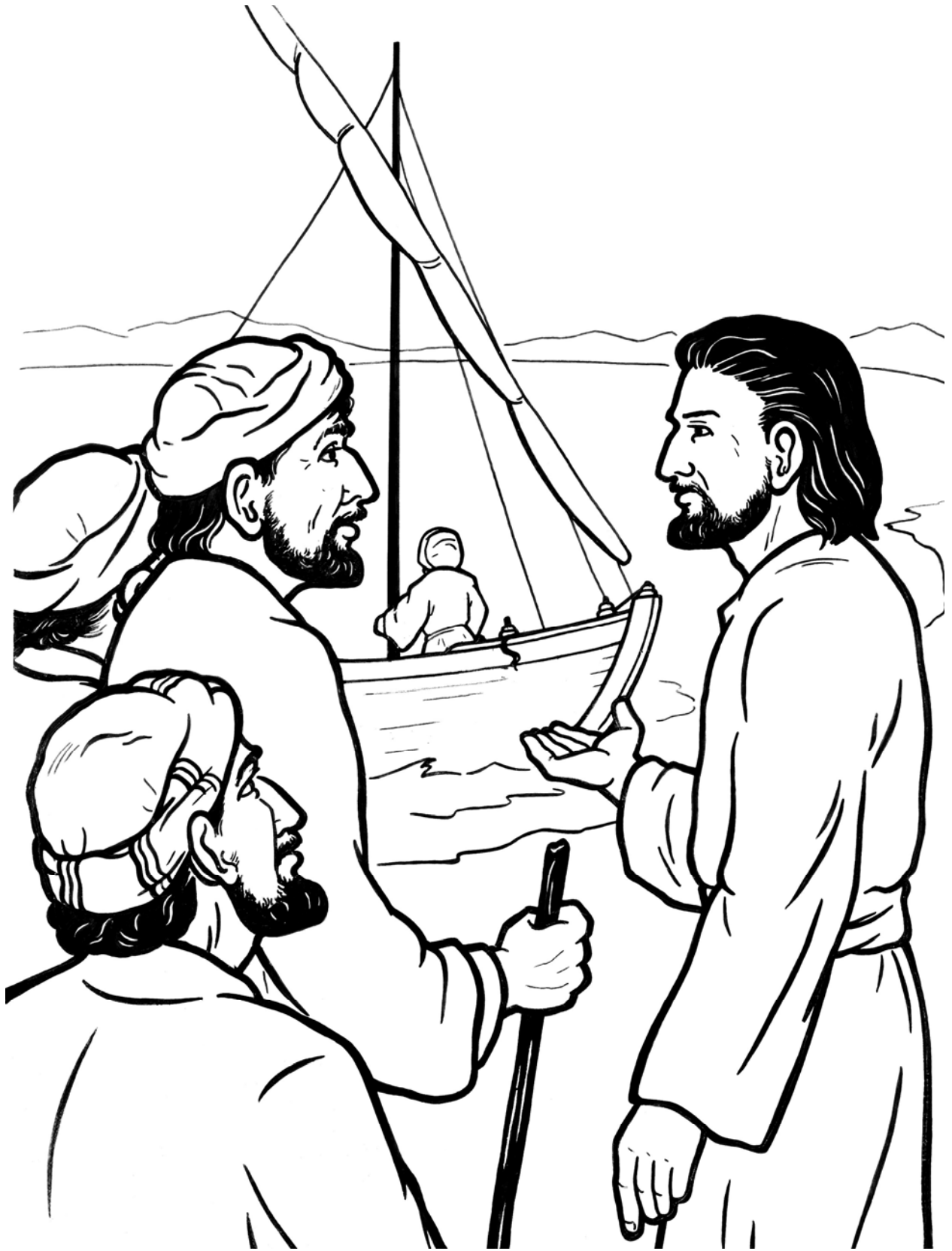
اینکه مسیح جانش را خواهد داد (یعنی خواهد مرد)، آنهایی را که می‌خواستند او را پادشاه خود کنند، ناامید کرد. آنها پادشاهی زنده می‌خواستند، نه مرده. و از آن روز به بعد بسیاری از او روی برگرداندند. آنها متوجه نشدند که او خداوند عیسی مسیح، پسر خداست. پس دیگر از او پیروی نکردند.

شاگردان چطور؟ آیا درک کردند که عیسی مسیح، خداوند است؟ ظاهراً در آن لحظه درک نکردند. چون در کتب مقدس چنین نوشته شده. (مرقس ۶: ۵۲)

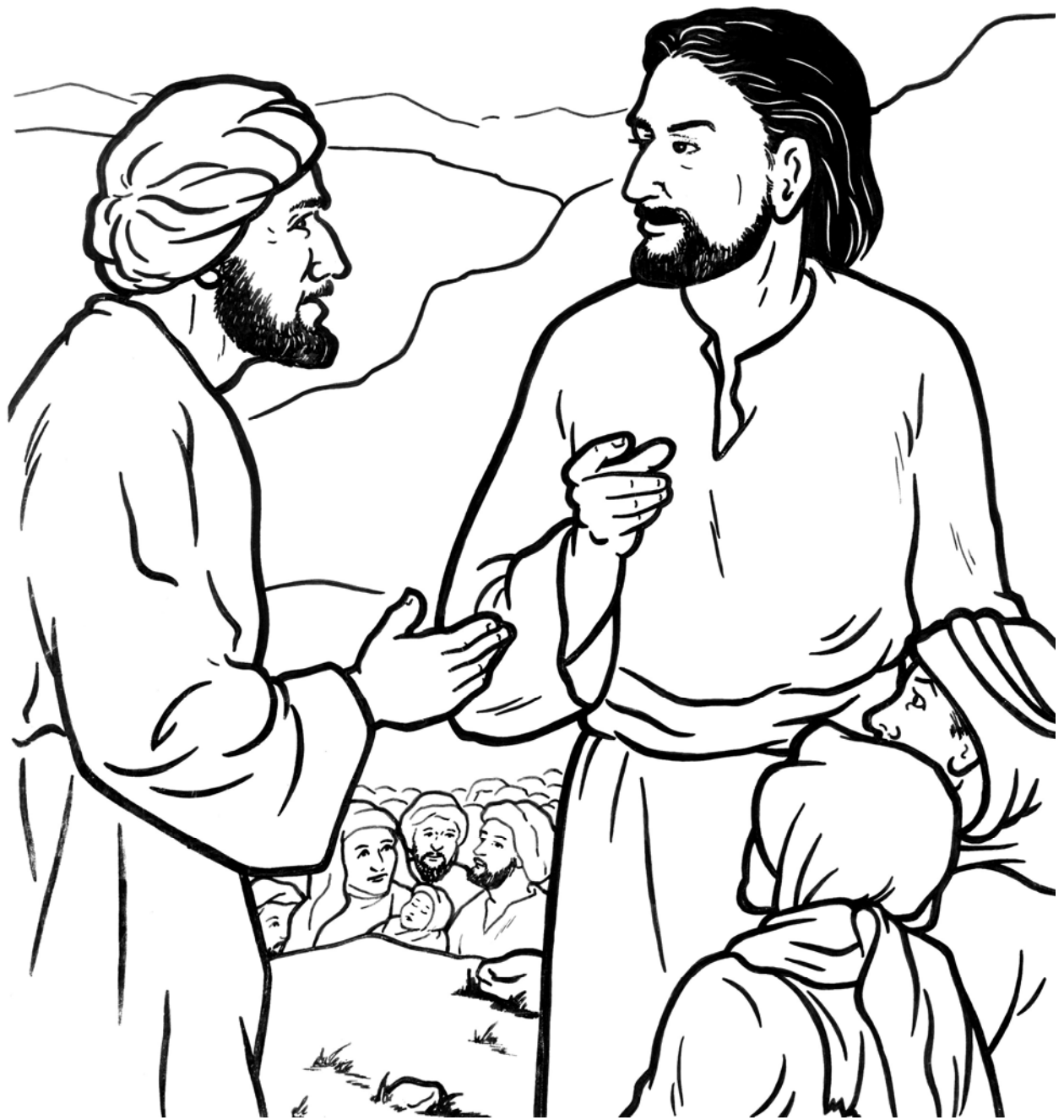
آنها می‌دانستند که عیسی قادر به شفای بیماران است. می‌دانستند که قادر به دادن خوراک به هزاران نفر است. اما به نظر هنوز درک نکرده بودند که این معجزه‌گر، خالق است. (یوحنا ۱: ۳) خالق خداوند است – خداوند عیسی مسیح.

شما چطور؟ آیا عیسی مسیح را به عنوان نجات‌دهنده پذیرفته‌اید؟ او گفت: «من نان حیات هستم ... اگر کسی از این نان بخورد تا ابد زنده خواهد ماند.» (یوحنا ۶: ۴۸)

اگر ایماندار هستید، آیا حاضرید، مانند این پسر، هر چه دارید را به او بسپارید؟ البته که این کار باید کرد. چون او خداوند است!



درس ۱: تصویر شماره ۱



درس ۱: تصویر شماره ۲



درس ۱: تصویر شماره ۳



درس ۱: تصویر شماره ۴

درس دوم

راه رفتن بر روی آب

قسمت مورد مطالعه کلام: متی ۱۴: ۲۲-۳۴؛ مرقس ۶: ۴۵-۵۶؛ یوحنا ۶: ۱۵-۲۱ و ۲۸-۲۹ و ۴۷ و ۶۴ و ۶۷-۶۹

هدف درس: عیسی بر همهٔ امور تسلط دارد.

آنچه شاگردان شما باید احساس کنند: داشتن هدف واقعی و قلبی برای اطاعت کامل از خداوند.

آنچه شاگردان شما باید بدانند: فرزندان خدا باید از او کاملاً اطاعت کنند، چون عیسی مسیح خداوند است.

آنچه شاگردان شما باید انجام دهند:

نجات نیافته‌گان: به عیسی مسیح، پسر خدا، ایمان آورند.

نجات یافته‌گان: بگذارند که عیسی مسیح بر همهٔ امور زندگی آنها تسلط داشته باشد.

رئوس مطالب درسی (جهت اطلاع معلم و شاگردان):

۱. شاگردان از دریاچهٔ جلیل عبور کردند (متی ۱۴: ۲۲-۲۳؛ مرقس ۶: ۴۵-۴۶؛ یوحنا ۶: ۱۵-۱۶).
۲. طوفانی شاگردان را به خطر انداخت (متی ۱۴: ۲۴؛ مرقس ۶: ۴۷-۴۸؛ یوحنا ۶: ۱۷-۱۹).
۳. عیسی در حالیکه روی آب راه می‌رود، به شاگردان نزدیک می‌شود (متی ۱۴: ۲۵-۲۷؛ مرقس ۶: ۴۸-۵۰؛ یوحنا ۶: ۱۹-۲۰).
۴. شاگردان درمی‌یابند که عیسی پسر خداست (متی ۱۴: ۲۸-۳۴؛ مرقس ۶: ۵۱-۵۶؛ یوحنا ۶: ۲۱، ۲۸-۲۹، ۴۷، ۶۴، ۶۷-۶۹).

آیهٔ حفظی:

«به نام عیسی هر زانویی خم شود، و هر زبانی اقرار کند که عیسی مسیح، خداوند است برای تمجید

خدا (فیلیپیان ۲: ۱۰ قسمت اول و ۱۱)

درس

آیا تاحالا ترسیده‌اید؟ از تاریکی؟ طوفان؟ از آدم‌های غریبه؟ از حیوان؟ مطمئنم که حتماً براتون پیش آمده. همه ما معنی ترس را می‌دانیم. حتی روزی شاگردان عیسی مسیح هم ترسیدند. گوش کنید بچه‌ها!

۱. شاگردان از دریاچه جلیل عبور کردند

(متی ۱۴: ۲۲-۲۳؛ مرقس ۶: ۴۵-۴۶؛ یوحنا ۶: ۱۵-۱۶)

تصویر شماره ۵ را نشان دهید.

وقتی که شاگردان سوار قایق شدند و بیت‌صیدا را ترک کردند، دریا آرام و آسمان صاف بود. آنها به دفعات از دریاچه عبور کرده بودند. گاهی عیسی نیز همراه آنها بود. گاهی هم نبود. این بار عیسی تنها در کوه ماند. عیسی به شاگردان گفته بود تا از دریاچه عبور کنند، از بیت‌صیدا (در ایالت جلیل) بگذرند و به کفرناحوم بروند.



وقتی در قایق بودند و عیسی را در دعا تنها گذاشتند، شاگردان چیزهای

زیادی داشتند که درباره‌اش صحبت و فکر کنند. پیشتر همان روز، آنها می‌خواستند جایی پیدا کنند تا با عیسی تنها باشند. اما مردمی که در روستاهای اطراف زندگی می‌کردند، برای دیدن او پیش عیسی آمده بودند. ۵۰۰۰ مرد به همراه زنان و کودکان دور عیسی جمع شده بودند تا به حرفهای عیسی گوش بدهند. آنها مدت زیادی در آنجا ماندند! چه روز طولانی بود!

بالاخره شاگردان به عیسی گفته بودند که این مردم را بفرست تا بروند و چیزی بخورند. اما عیسی این کار را نکرد. در عوض، معجزه‌ای کرد. او نهار یک پسر بچه را برداشته و برکت داده و چندبرابر کرد و هزاران مردم گرسنه را خوراک داد. هیچ کس دیگری نمی‌توانست این عمل بزرگ را انجام دهد. اما عیسی مسیح با دیگران فرق دارد. او خداوند- پسر خداست!

مطمئناً شاگردان از اینکه دوستی مانند عیسی داشتند خوشحال بودند. آنها معجزات بزرگ بسیاری از او دیده بودند. روزی او آب را به شراب تبدیل کرد. بیماران را شفا داده بود. و حتی مرده‌ای را زنده کرده بود! از دست عیسی مسیح هر کار بر می‌آمد. تا حالا شاگردان باید متوجه شده بودند که برای همه نیازهایشان می‌توانستند به عیسی توکل کنند. او با نهار یک پسر توانسته بود، به هزاران نفر غذا دهد، پس مطمئناً می‌توانست نیازهای ۱۲ شاگرد را نیز برآورده کند!

۲. طوفانی شاگردان را به خطر انداخت (متی ۱۴: ۲۴؛ مرقس ۶: ۴۷-۴۸؛ یوحنا ۶: ۱۷-۱۹).



اما حالا آنها در قایق بودند و عیسی همراهشان نبود. آنها باید به بندر بیت صیدا می‌رفتند، جایی که امیدوار بودند عیسی به آنها ملحق شود و با هم از دریاچه عبور کنند و به کفرناحوم بروند.

تصویر شماره ۶ را نشان دهید.

شاگردان بادبانها را آماده کردند. دریاچه‌ای که آرام و ساکت بود، حالا دیگر ناآرام شده بود. باد شدیدی وزید و موج‌های بزرگی به قایق خورد. شاگردان پاروها را محکم نگه داشتند اما باد و امواج کنترل قایق را از دستشان خارج کرد. موجها بزرگتر شدند. همانطور که طوفان داشت شدیدتر می‌شد، موجها به داخل قایق آمدند.

هوا داشت تاریک می‌شد و شاگردان احساس تنهایی عجیبی داشتند و قایقشان در آبهای خروشان به عقب و جلو پرتاب می‌شد. بالاخره به وسط دریاچه رسیدند. هر چقدر هم که تلاش می‌کردند، نمی‌توانستند با پارو زدن قایق را به بیت صیدا برسانند. حتماً شاگردان نگران جانشان بودند. ای کاش عیسی آنجا بود! اما آن روز پرمشغله‌ای بود و عیسی می‌خواست با پدر آسمانی‌اش تنها بماند. آنها ساعتها پارو زدند و همه تلاششان را برای غلبه بر باد و موجها به کار گرفتند.

قابل توجه معلم:

در گذشته، درسهایی را راجع به معجزات عیسی مسیح خداوند داشتیم. درس پیش رو یکی از آنهاست. از آنجائیکه شیطان تقلید کننده ماهر است، پس می‌تواند کارهایی انجام دهد که به نظر معجزه برسند. ما باید همیشه قادر باشیم که دست خدا را در معجزات واقعی تشخیص دهیم. شاید ۴ واقعیت زیر به شما و شاگردانتان در تشخیص معجزات کتاب مقدسی کمک کند:

۱. معجزه نیاز انسانی را از طریق نیروی فراانسانی برآورده می‌کند.

۲. معجزه بز نیروهای حاکم بر طبیعت تسلط دارد.

۳. معجزه بخشی از قدرت و جلال خدا را مکشوف می‌سازد.

۴. معجزه آموزنده است و درسی با خود همراه دارد.

باید توجه کرد که هر زمان عیسی مسیح معجزه‌ای کرد، این امر مطابق با شخصیت الهی او بود. همچنانکه او به همراه خدای پدر، آسمانها و زمین و آنچه در آن بود را آفرید. او گندم را آفرید که در طی فرآیندی زمانی به نان تبدیل می‌شود. اما برای او درست کردن نان و دادن آن به ۵۰۰۰ مرد به همراه زنان و کودکان

ادامه قابل توجه معلم:

به همان اندازه آسان بود. او انگور را آفرید اما می‌توانست به آسانی و در یک چشم به هم زدن شراب درست کند. او زندگی بخشید. سلامتی داد. او آبها را در روز سوم خلقت جمع کرد و آنها را "دریاها" نام گذاشت. او برای دریاها حدودی قرار داد تا همه زمین را پوشانند. (مزمور ۱۰۴: ۶-۹) و زمانیکه خدای پسر روی زمین، همچنانکه در این درس خواهیم دید، آبها را کنترل کرد.

به همین طریق، خداوند عیسای مسیح می‌تواند از مردم در طوفانها محافظت کند. یا اگر بخواهد می‌تواند طوفانها را متوقف کند. او بر همه شرایط حاکم است. کسی که خداوند عیسی مسیح را می‌شناسد نباید از هیچ چیز بترسد. به شاگردان خود کمک کنید تا این مطلب را درک کنند.

۳. عیسی در حالیکه روی آب راه می‌رود، به شاگردان نزدیک می‌شود

(متی ۱۴: ۲۵-۲۷؛ مرقس ۶: ۴۸-۵۰؛ یوحنا ۶: ۱۹-۲۰).

تصویر شماره ۷ را نشان دهید.

مدتی بعد (تقریباً ساعتی بین ۳ و ۶ صبح)، شاگردان چیز عجیبی دیدند. همه - پطرس، یعقوب، یوحنا، فیلیپس و دیگران - آن را دیدند. چیزی یا شخصی داشت به طرف آنها می‌آمد - آن شخص یا چیز بر روی موجها راه می‌رفت! شاگردان فریاد زدند: «روحه!»



صدا جواب داد: «من هستم، نترسید!»

شاگردان این صدا را قبلاً هم شنیده بودند. فقط یک نفر بود که اینطور حرف می‌زد. صدای مسیح بود. او داشت روی موجها راه می‌فت! (درست مثل من و شما که روی زمین خشک راه می‌رویم) دریای عمیق، طوفان شدید، موجهای بلند، تاریکی شب - هیچکدام از اینها مانع نشد که عیسی مسیح در زمانیکه شاگردان به او نیاز داشتند پیش آنها نیاید. شاگردان هرگز این معجزه عیسی را ندیده بودند.

۴. شاگردان درمی‌یابند که عیسی پسر خداست

(متی ۱۴: ۲۸-۳۴؛ مرقس ۶: ۵۱-۵۶؛ یوحنا ۶: ۲۱، ۲۸-۲۹، ۴۷، ۶۴، ۶۷-۶۹).

پطرس به او گفت: «خداوندا، اگر واقعاً تو هستی بگذار که من هم روی آب پیش تو بیایم.»
عیسی گفت: «بیا»

پطرس از قایق خارج شد. او آب تیره رنگ را دید و در زیر پاهایش احساس کرد. او به سمت عیسی رفت. پطرس داشت روی آب راه می‌رفت! اما نگاهش را از عیسی برگرداند و به طوفان نگاه کرد. موجهای بلند را دید. ناگهان ترسید. او به موجهای در حال حرکت نگاه کرد.
بعد کم‌کم در آب فرو رفت. اشکالی در کار بود! فریاد زد: «خداوندا، نجاتم بده!»
تصویر شماره ۸ را نشان دهید.

فوراً عیسی مسیح دستش را دراز کرد و پطرس را گرفت. عیسی گفت: «چقدرت ایمانت کم است. چرا شک کردی؟»

حرفهای عیسی مسیح حتماً پطرس را شرمند کرده چون به جای اینکه به عیسی نگاه کند و به او اعتماد کند، به طوفان نگاه کرد و ترسید.

وقتی عیسی و پطرس با هم داخل قایق شدند، باد و طوفان یکدفعه متوقف شد. شاگردان خوشحال شدند. عیسی با آنها بود و حالا همه چیز امن شده بود! آنها فوراً



خدا را پرستش کردند و گفتند: «تو حقیقتاً پسر خدا هستی!» بالاخره متوجه شدند که این معجزه‌گر، عیسی، واقعاً پسر خداست.

کمی دیرتر در همان روز، جمعیتی که عیسی به آنها خوراک داده بود به دنبال او به کفرناحوم آمدند. یکی از سئوالاتی که از او پرسیدند این بود: «ما باید چه کنیم تا اراده خدا را به انجام برسانیم» (یوحنا ۶: ۲۸)؟

عیسی جواب داد: «این اراده خداست که شما به فرستاده خدا ایمان بیاورید»

خدا چه کسی را فرستاده بود؟ خداوند عیسی مسیح را.

او ادامه داد و گفت: «کسی که به من ایمان بیاورد، حیات جاودان یابد.» سپس او که از همه قلبها خبر دارد با ناراحتی گفت: «شما مرا دیدید اما ایمان نیاوردید» (یوحنا ۶: ۳۶).

چند دقیقه بعد، بسیاری از مردم به خانه‌هایشان برگشتند. فقط همان دیروز بود که می‌خواستند او را پادشاه خود کنند اما حالا از پیروی او اجتناب می‌کردند. عیسی به شاگردان گفت: «آیا شما هم می‌خواهید برگردید؟»

پطرس پرسید: «خداوندا پیش که برویم؟ تو کلام زندگی ابدی را داری. و ما ایمان داریم و مطمئنیم که تو مسیح، پسر خدای زنده، هستی.»

آفرین پطرس! در طول چند ساعت، پطرس عیسی را سه بار «خداوند» خطاب کرد. یک بار وقتی که عیسی بر روی آب راه می‌رفت. بار دوم وقتی که داشت در طوفان غرق می‌شد. و بار سوم، وقتی گفت: «خداوندا پیش که برویم؟» حالا او فهمیده بود که خداوند عیسی مسیح «پسر خدای زنده» است.

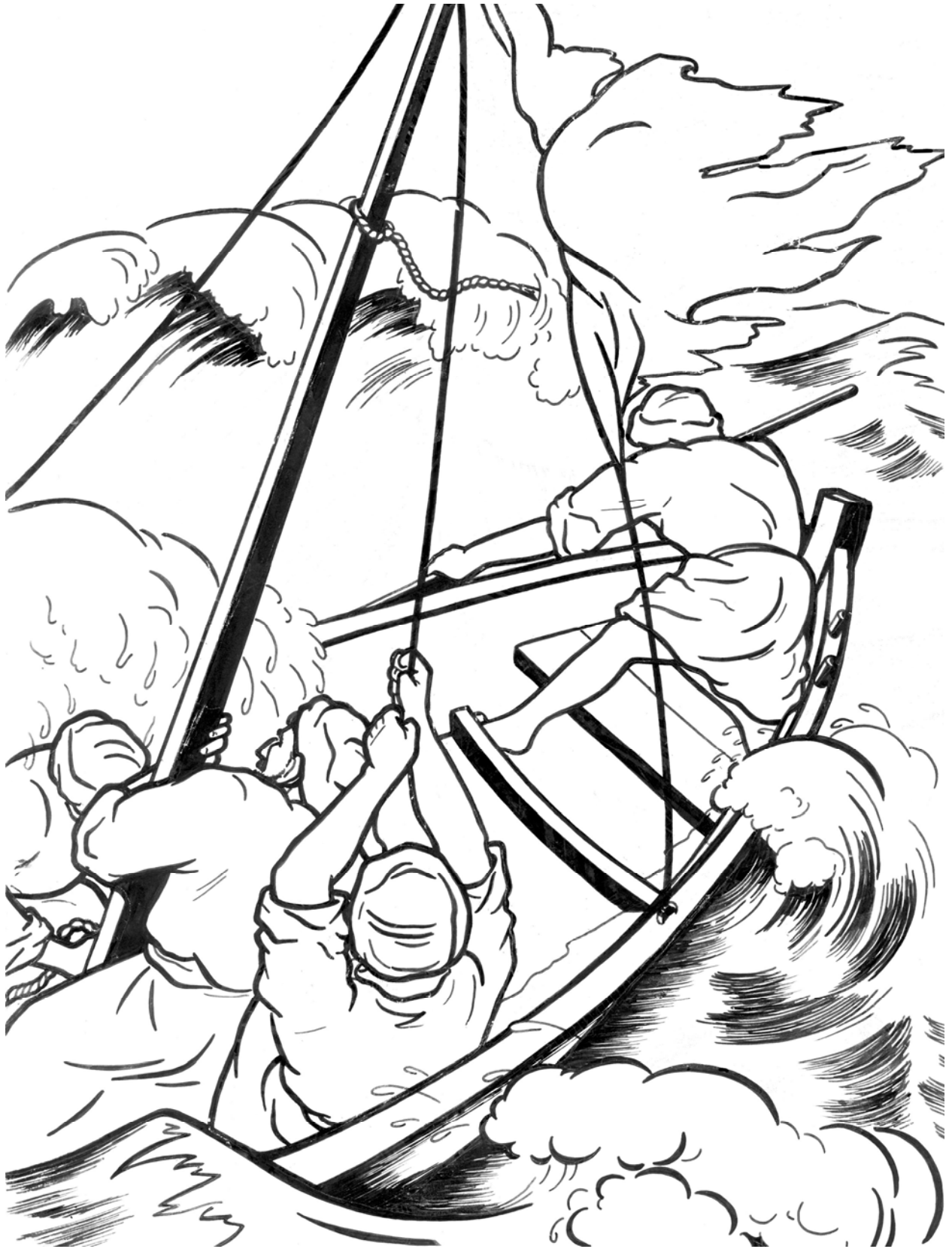
به همان اندازه که عیسی مسیح به پطرس و دیگر شاگردان اهمیت می‌داد، امروز نیز به تو توجه دارد. (عبرانیان ۱۳: ۸) بیشترین چیزی که خداوند برای تو می‌خواهد این است که حیات جاودان را بیابی. او به زمین آمد تا بمیرد و تو بتوانی در بهشت زندگی کنی.

امروز این درس را می‌شنوی چون خدا می‌خواهد که بدانی که خداوند عیسی مسیح پسر اوست. آیا به این ایمان داری؟ آیا با زبان خود به خداوندی عیسی مسیح اعتراف کرده‌ای؟

چون عیسی مسیح خداوند است پس شایسته اطاعت کامل توست. اگر هدف قلبی‌ات این باشد که همیشه کاملاً از او اطاعت کنی، مطمئن باش که: او همیشه تو را هدایت خواهد کرد. در دفتر خود دقیقاً یادداشت کنید که چگونه در این هفته از او اطاعت خواهید کرد.



درس ۲: تصویر شماره ۱



درس ۲: تصویر شماره ۲



درس ۲: تصویر شماره ۳



درس ۲: تصویر شماره ۴

درس سوم تبدیل هیأت

قسمت مورد مطالعه کلام: متی ۱۶: ۱۳-۱۷؛ مرقس ۸: ۲۷-۹؛ لوقا ۹: ۱۸-۳۶؛ ۲ پطرس ۱: ۱۶-۱۹

هدف درس: با تبدیل هیأت عیسی مسیح جلال آینده خود را مکشوف کرد.

آنچه شاگردان شما باید بدانند: عیسی مسیح خداوند جلال است و باید کاملاً از او اطاعت کنیم.

آنچه شاگردان شما باید احساس کنند: تمایلی واقعی برای اینکه خداوند عیسی زندگی آنها را در دست بگیرد.

آنچه شاگردان شما باید انجام دهند: زندگی خود را در دستان خداوند عیسی قرار دهند و با اشتیاق از او اطاعت کنند.

رئوس مطالب درسی (جهت اطلاع معلم و شاگردان):

۱. عیسی به شاگردان می‌گوید که باید رنج بکشد (متی ۱۶: ۱۳-۲۸؛ مرقس ۸: ۲۷-۹؛ لوقا ۹: ۱۸-۲۷).

۲. عیسی نزد پدرش دعا می‌کند (متی ۱۷: ۱؛ مرقس ۹: ۲؛ لوقا ۹: ۲۸).

۳. روشنایی درخشش (جلال) خداوند از عیسی می‌تابد (متی ۱۷: ۲-۴؛ مرقس ۹: ۳-۶؛ لوقا ۹: ۲۹-۳۳).

۴. خداوند به شاگردان فرمان می‌دهد که به پسرش گوش دهند (متی ۱۷: ۵-۱۳؛ مرقس ۹: ۷-۱۳؛ لوقا ۹: ۳۴-۳۶).

آیه حنفی:

«به نام عیسی هر زانویی خم شود، و هر زبانی اقرار کند که عیسی مسیح، خداوند است برای تمجید

خدای پدر.» (فیلیپیان ۲: ۱۰ قسمت اول و ۱۱)

قابل توجه معلم:

در دو درس گذشته یاد گرفتید که: (۱) آنانی که به عیسی مسیح به عنوان خداوند و نجات‌دهنده اعتماد می‌کنند، می‌توانند یقین داشته باشند که او همه نیازهای آنها را به روش خود برآورده می‌کند؛ (۲) خداوند عیسی مسیح همه کائنات را در دست و تسلط خود دارد. در این درس تصویری پر جلال از آینده خداوند عیسی مسیح را می‌بینیم. روزی خواهد آمد که او به عنوان پادشاه پادشاهان و خدای خدایان تاجگذاری خواهد شد. در آن زمان هر زانویی در مقابل او خم شده و هر زبانی خداوند عیسی مسیح را اقرار خواهد کرد تا خدای پدر جلال یابد. هدف این درس این است که به شاگردان کمک کند تا بدانند با تبدیل هیأت عیسی، او جلال آینده‌اش را نمایان و آشکار می‌سازد. ما باید کاملاً از او اطاعت کنیم زیرا که او خدای پر جلال است.

درس

آیا تا به حال سعی کرده‌اید که روی آب راه بروید؟ می‌توانید چنین کاری بکنید؟ خیر! غیرممکن است. آیا فکر می‌کنید می‌توانید جلوی وزش باد را بگیرید؟ خیر! اما پطرس، یعقوب، یوحنا و دیگر شاگردان دیدند که عیسی این کارها را انجام داد. دیدند که او روی دریاچه جلیل راه می‌رود. آنها دیدند که او طوفان و وزش باد را متوقف کرد.

۱. عیسی به شاگردان می‌گوید که باید رنج بکشد (متی ۱۶: ۱۳-۲۸؛ مرقس ۸: ۲۷-۹: ۱؛ لوقا ۹: ۱۸-۲۷)

روزی عیسی از شاگردانش پرسید: «به من بگویید مردم درباره من چه فکر می‌کنند؟» جواب دادند: «بعضی می‌گویند تو یحیی تعمید دهنده و عده‌ای می‌گویند تو ایلیا هستی و بقیه می‌گویند تو ارمیا یا نبی دیگری هستی.»

تصویر شماره ۹ را نشان دهید.

سپس عیسی سؤال مهمتری پرسید: «شما درباره من چه فکر می‌کنید؟» یوحنا ساکت بود. یعقوب هم همینطور. فیلیپس و اندریاس چیزی نگفتند. فقط یکی از شاگردان جواب داد. او همانی بود که سعی کرد روی آب در دریاچه جلیل راه برود. اسمش چیست؟ (پطرس).



پطرس درباره عیسی چه فکر می‌کرد؟ او جواب داد: «تو مسیح خداوند هستی، پسر خدای زنده». پطرس می‌دانست که برخلاف ظاهر انسانی عیسی، او بیشتر و فراتر از یک انسان بود. او خداوند عیسی مسیح است، آن وعده‌داده شده، نجات‌دهنده. او همان کسی است که هر نیازی را برآورده می‌کند، گرسنگی، بیماری، یا مرگ. او خدای دریای طوفانی و خدای بادهاست.

بعد از این شهادت پطرس بود که عیسی چیزی به شاگردان گفت که نمی‌خواستند حرف او را باور کنند: اینکه او باید رنج بکشد؛ او طرد خواهد شد؛ او کشته خواهد شد. او همچنین به آنها گفت که بعد از سه روز دوباره قیام خواهد کرد. شاگردان نمی‌خواستند عیسی بمیرد. می‌خواستند که او بر روی زمین پادشاه آنها باشد. اما نه! عیسی به آنها گفت که باید رنج بکشد. برای همین خیلی ناراحت و مضطرب شدند.

پطرس عیسی را کنار کشید و گفت: «خداوندا، هرگز چنین چیزی اتفاق نمی‌افتد.» این حرف پطرس اشتباه بود. او حرف درست را کمی قبل، وقتی به خداوندی عیسی اقرار کرد زده بود. اما حالا در اشتباه بود و عیسی او را ملامت کرد. عیسی مسیح همه چیز را می‌داند. او می‌دانست که هدف آمدنش بر روی زمین مرگش بود.

۲. عیسی نزد پدرش دعا می‌کند (متی ۱۷: ۱؛ مرقس ۹: ۲؛ لوقا ۹: ۲۸)

تصویر شماره ۱۰ را نشان دهید.

چند روز بعد، عیسی به بالای کوه بلندی رفت. (احتمالاً بالای کوه هرمون) او فقط سه شاگردش را با خود برد- پطرس، یعقوب و یوحنا.

وقتی آنها به همراه عیسی به بالای کوه می‌رفتند حتماً با خود فکر می‌کردند، چرا ما را به آنجا می‌برد؟ آنها می‌دانستند که او معمولاً تنها به بالای کوهی می‌رود و در خلوت دعا می‌کند. اما حالا چرا باید آنها را هم با خودش می‌برد؟ آنها به دور از مردم و دیگر شاگردان به بالای کوه رفتند. بالاخره به جایی رسیدند که عیسی می‌خواست. بعد عیسی شروع به دعا کرد. حتماً پطرس، یعقوب و یوحنا هم دعا



کردند. شاید برای مدت کوتاهی. اما آنها خسته شدند و خوابیدند. شاید عیسی هم خسته بود. اما خستگی مانع دعای او نشد. او دعا کرد، نه به این خاطر که باید دعا می‌کرد بلکه به این دلیل که می‌خواست دعا کند. او، پسر خدا، هیچ گناهی برای اعتراف نداشت. اما او دعا کرد چون پدر آسمانی‌اش را دوست داشت و می‌خواست با او صحبت کند. او معمولاً دربارهٔ مردم زمین- کسانی که به او ایمان آورده بودند- صحبت می‌کرد. او همچنین برای کسانی که از او رو برگردانده بودند و از ایمان آوردن خودداری کرده بودند دعا کرد.

۳. روشنایی درخشش (جلال) خداوند از عیسی می‌تابد (متی ۱۷: ۲-۴؛ مرقس ۹: ۳-۶؛ لوقا ۹: ۲۹-۳۳)

ما نمی‌دانیم که عیسی چند ساعت روی کوه دعا کرد. اما ناگهان چیز عجیبی اتفاق افتاد. وقتی عیسی مسیح دعا می‌کرد، تغییری در او بوجود آمد. صورت او مانند خورشید می‌تابید. لباسهایش می‌درخشید- به درخشش نور، به سفیدی برف کوهها. هیچ‌کس نمی‌تواند لباسهایی به سفیدی و درخشش او پیدا کند. (در آن روزها پادشاهان و کاهنان سفیدترین لباسها را می‌پوشیدند تا مقام بالای خود را نشان دهند. اما حالا لباسهای عیسی درخشانتر و سفیدتر از همهٔ پادشاهان بود.) این نور درخشان از بیرون به او نمی‌تابید بلکه از درون او بود. چرا؟ زیرا عیسی

خدای پسر است و جلال خداوند در او بود. این جلالی بود که او قبل از آمدنش به زمین با پدر داشت. (یوحنا ۱۷: ۵).

تصویر شماره ۱۱ را نشان دهید.

شاگردان که درخشش نور چشمان خواب‌آلودشان را می‌زد، دو نفر دیگر را دیدند که پیش عیسی آمدند: موسی (که تقریباً ۱۵۰۰ سال پیش مرده بود) و ایلیا (که ۹۰۰ سال پیش مرده بود). خداوند از موسی برای دادن شریعت به قومش استفاده کرده بود و بعد از سالها خدمت به خدا مرده بود. ایلیا نبی بزرگی بود، کسی که به مردم (و پادشاهان آنها) هشدار داده بود که باید توبه کنند. وقتی کارش روی زمین تمام شد، ایلیا بدون اینکه بمیرد به آسمان برده شد. حالا، بعد از ۱۰۰۰ سال، این دو نفر با شکوه آسمانی روی کوه با عیسی ظاهر شدند- و هر سه با هم صحبت می‌کردند! در آن دقایق پر جلال، درباره وقایعی که باید اتفاق می‌افتاد صحبت می‌کردند- اینکه چگونه عیسی باید به زودی نقشه خدا را کامل می‌کرد و در اورشلیم می‌مرد. (لوقا ۹: ۳۱).



وقتی که به نظر می‌رسید موسی و ایلیا دارند آنجا را ترک می‌کنند، پطرس از آنها خواست که بمانند. او آنقدر از این صحنه وحشت زده بود که نمی‌توانست حرفی بزند. به جای اینکه ساکت بماند گفت: «خداوند، چه خوبه که ما اینجا هستیم. بگذارید که سه چادر بزنیم- یکی برای شما، یکی برای موسی، و یکی برای ایلیا.»

۴. خداوند به شاگردان فرمان می‌دهد که به پسرش گوش دهند

(متی ۱۷: ۵-۱۳؛ مرقس ۹: ۷-۱۳؛ لوقا ۹: ۳۴-۳۶)

وقتی پطرس این را گفت، ابری نورانی ظاهر شد. این ابر معمولی نبود بلکه ابر آسمانی جلال بود. از آن ابر صدایی آمد- صدای خداوند که می‌گفت: «این پسر عزیز من است، محبوب من، کسی که از او راضی هستم. به او گوش کنید!» خدا داشت به پطرس می‌گفت ساکت باش! به حرفهای او گوش کن! تصویر شماره ۱۲ را نشان دهید.

وقتی آنها صدای خدای پدر را شنیدند، هر سه شاگرد آنقدر ترسیده بودند که با صورت بر روی زمین افتادند. اما عیسی آنها را لمس کرد و گفت: «بایستید. نترسید.» پطرس، یعقوب، و یوحنا سرهای خود را بلند کردند. به اطراف نگاهی انداختند. موسی و ایلیا رفته بودند! عیسی را تنها دیدند- دیگر آن نور پر جلال نبود بلکه عیسی انسان بود. موسی و ایلیا مثل شاگردان انسان بودند. اما عیسی خداوند است. او پسر خداست. او کسی است که باید



از او اطاعت کنیم. صدای خداوند گفت: «به حرفهای او گوش کنید.»

قابل توجه معلم:

هر بار که درس می‌دهید، باید با وجدانی بیدار قلبهای خود را بیازمایید. آیا شما، معلم عزیز، آنچه را که تدریس می‌کنید در زندگی عملی می‌کنید؟ همین حالا از خود سؤال کنید: «آیا حقیقتاً من از عیسی مسیح اطاعت می‌کنم؟» شاگردانتان شما را زیر نظر دارند و به شما نگاه می‌کنند. اگر شما نمونه‌ای خوبی از مسیحی مطیع باشید، آنها نیز از مانند شما اراده و زندگی خود را به دستان خداوند عیسی تسلیم خواهند کرد.

این سه شاگرد چیزی دیده بودند که هرگز فراموش نمی‌کردند. آنها جلال عیسی خداوند را دیده بودند. از آن زمان به بعد، حتماً می‌دانستند که عیسی در عمل باید رنج بکشد و کشته شود چون این خواست خدا بود. سپس روزی خواهد رسید (که هنوز هم به آن زمان نرسیدیم) که عیسی مسیح با همه جلالش به عنوان پادشاه پادشاهان سلطنت خواهد کرد. در آن روز هر زانویی خم شده و هر زبانی نام خداوند عیسی مسیح را اقرار خواهد کرد.

وقتی آنها از کوه پایین آمدند، عیسی به شاگردان گفت تا به کسی از آنچه که دیده بودند تا زمانیکه او از مردگان برنخاسته، چیزی نگویند. عجیبی رازی!

چیزهای زیادی بود که آن سه شاگرد باید راجع به آن فکر می‌کردند و به هم می‌گفتند. اما همانطوریکه عجیب به نظر می‌رسید، منظور عیسی را از گفتن قیامش از مردگان درک نکرده بودند و مدام راجع به این موضوع با هم صحبت می‌کردند. آنها درک نکرده بودند که عیسی قبل از آنکه جلالی که در هنگام تبدیل هیأت دیده بودند را دریافت کند، باید رنج بکشد و کشته شود.

دلیل اینکه عیسی آن سه شاگرد را از گفتن آنچه که دیده بودند منع کرد را نمی‌دانیم. شاید عیسی می‌دانست حتی اگر آنها درباره تبدیل هیأت به دیگران بگویند، هیچ کس تا وقتی که معجزه قیام را نبیند باور نخواهد کرد. یا ممکن است گفتن این موضوع باعث به خطر افتادن جان یا حتی مرگ این یعقوب، پطرس و یوحنا می‌شد. نمی‌دانیم چرا عیسی آنها را از تعریف کردن این اتفاق منع کرد. او خداوند است!

سالها بعد، وقتی شاگردان مرگ و قیام مسیح را حقیقتاً درک کردند، این راز را فاش کردند و به همه گفتند. یوحنا نوشت: «و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد، پر از فیض و راستی؛ و جلال او را دیدیم، جلالی شایسته پسر یگانه پدر» (یوحنا ۱: ۱۴). و پطرس گفت: «بلکه کبریایی او را دیده بودیم. زیرا از خدای پدر اکرام و جلال یافت هنگامی که آوازی از جلال کبریایی به او رسید که "این است پسر حبیب من که از وی خوشنودم"

و این آواز را ما زمانی که با وی در کوه مقدس بودیم، شنیدیم که از آسمان آورده شد» دوم پطرس ۱: ۱۶-
(۱۸).

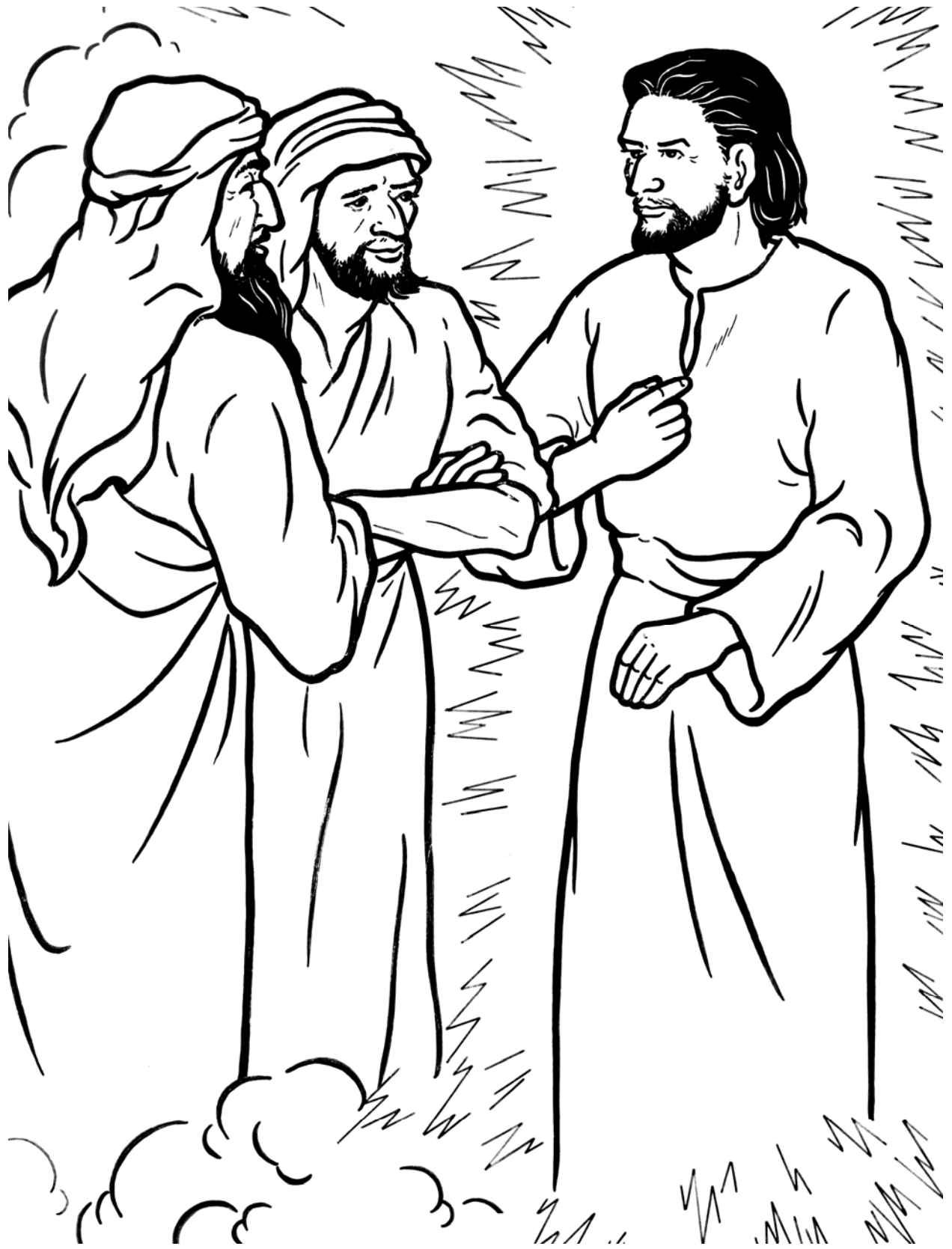
اگر شما به عیسی مسیح به عنوان نجات‌دهنده ایمان آورده‌اید، او در شما ساکن است. بزرگترین خواسته شما باید این باشد که زندگی خود را کاملاً به او تسلیم کنید. به عنوان خدا، او شایسته اطاعت کامل شماست. به جای اینکه راه خود را پیش بگیرید، باید بر او تکیه کنید و از با رضایت کامل از او اطاعت کنید. او هرگز شما را مجبور به اطاعت نمی‌کند. اما اگر کاملاً بر او تکیه کنید، همیشه رهبری او را در زندگی خواهید داشت. (مزمور ۳۲: ۸) ”لهدا ای برادران شما را به رحمت‌های خدا استدعا می‌کنم که بدنهای خود را قربانی زنده مقدس پسندیده خدا بگذرانید که عبادت معقول شما است. و همشکل این جهان نشوید بلکه به تازگی ذهن خود صورت خود را تبدیل دهید تا شما دریافت کنید که اراده نیکوی پسندیده کامل خدا چیست“ (رومیان ۱۲: ۱-۲).



درس ۳: تصویر شماره ۱



درس ۳: تصویر شماره ۲



درس ۳: تصویر شماره ۳



درس ۳: تصویر شماره ۴

درس چهارم

خداوندی مسیح

قسمت مورد مطالعه کلام: اعمال رسولان ۲: ۳۶؛ اعمال ۱۰: ۳۶؛ مرقس ۱۶: ۱۵ و ۲۰؛ کولسیان ۳: ۲۴

هدف درس: عیسی مسیح خداوند، حاکم، و سرور است.

آنچه شاگردان شما باید بدانند: روزی خواهد رسید که همه در برابر عیسی زانو زده و او را خداوند خواهند خواند.

آنچه شاگردان شما باید احساس کنند: تمایل به اعتراف به خداوندی و نجات بخشی عیسی.

آنچه شاگردان شما باید انجام دهند:

نجات نیافته گان: به عیسی مسیح، پسر خدا، ایمان آورند.

نجات یافته گان: بگذارند که عیسی مسیح بر همه امور زندگی آنها تسلط داشته باشد.

رئوس مطالب درسی (جهت اطلاع معلم و شاگردان):

۱. عیسی می خواهد خود را به او تسلیم کنیم (رومیان ۱۲: ۱).

۲. عیسی یگانه فرزند خدا و خالق همه چیز است (عبرانیان ۱: ۱-۲).

۳. عیسی با انجام معجزات خداوندی خود را ثابت کرد (عبرانیان ۲: ۴).

۴. عیسی قدرت خود را بر گناه و مرگ ثابت کرد (عبرانیان ۱: ۳).

آیه حفظی:

«به نام عیسی هر زانویی خم شود، و هر زبانی اقرار کند که عیسی مسیح، خداوند است برای تمجید

خدای پدر.» (فیلیپیان ۲: ۱۰ قسمت اول و ۱۱)

درس

اسم شما چیست؟ (بگذارید همه شاگردان اسم خود را بگویند). اسمها مهمند. تصور کنید که هیچ کدام از ما اسمی نداشتیم. اگر می خواستیم یکی از شما را صدا بزنم که پیش من بیایید، می توانستم بگویم: «ممکنه پسری که

بلوز راه راه پوشیده بیاد اینجا؟» اما فکر کنید که سه نفر از شما بلوز راه راه پوشیده باشد؟ یا همه شما یکجور لباس پوشیده باشید؟ خیلی مشکل می‌شود. اینکه همه ما اسمی داریم، خیلی خوب است. بعضی اسمها خیلی مهم هستند. آیا می‌توانید اسم چند نفر از افراد مهم کشورمان را بگویید؟ (صبر کنید تا پاسخ دهند.)

۱. عیسی می‌خواهد خود را به او تسلیم کنیم

(رومیان ۱۲:۱)

کتاب مقدس به ما یاد می‌دهد که اسمی هست که بالاتر از همه نامهاست. (فیلیپیان ۲: ۹-۱۰ را برای شاگردان بخوانید.) اسم این شخص چیست؟ بله، اسم او عیسی مسیح است. و چون او بالاتر از هر کس دیگری است، او را خداوند عیسی مسیح می‌خوانیم.

معنی اسم "خداوند" چیست؟ این نام یکی از نامهای خداوند بیهوه است. چون خداوند عیسی مسیح پسر خداست، پس او سرور و حاکم بر همه چیز است. آقا و ارباب زمینی (سرور) منظور کسی است که دیگری به او تعلق دارد و تحت تسلط اوست. آقا یا سرور بر همه کس اقتدار دارد. شاید کسی شبیه این در ذهن شما بیاید.

در هر کشوری رئیس‌جمهور، شاه، ملکه و یا دیکتاتوری هست که بر مردم حکومت می‌کند. هر قبیله‌ای رئیسی دارد که حاکم است. در مدرسه، معلم مدیر کلاس و شاگردان است. در خانه، والدین سرپرست و ناظم بچه‌ها هستند. حاکمان مهم هستند. والدین شما هم مهمند. معلم هم مهم است. رهبران این کشور مهمند. اما خداوند عیسی مسیح از همه اینها مهمتر است. او بزرگتر، حکیم‌تر، و بالاتر از همه است.

عیسی مسیح آنقدر مهربان، دوست‌داشتنی و بزرگ است که هر کسی می‌خواهد که او خداوندش باشد. اما متأسفانه بسیاری از مردم (حتی آنهایی که تولد تازه در او دارند!) نمی‌خواهند که او خداوند و حاکم بر زندگی آنها باشد. بلکه می‌خواهند زندگی خود را خودشان اداره و هدایت کنند.

داشتن عیسی مسیح نجات‌دهنده بسیار عالی است. دانستن اینکه او گناهانتان را بخشیده و روزی شما را به بهشت خواهد برد بسیار عالی و زیباست. اما عیسی می‌خواهد که پادشاه زندگی شما باشد. می‌خواهد به کلامش گوش کرده و از او اطاعت کنید. ما مسیحیان متعلق به او هستیم. شاید فکر کنید که چون عیسی مسیح بزرگ و قدرتمند است، شما را وادار به اطاعت خواهد کرد. او می‌تواند این کار را انجام دهد اما این کار نمی‌کند. او می‌خواهد تا از روی میل و اراده دوستش داشته باشید و از او اطاعت کنید.

صدها سال پیش، رسم قوم خدا (اسرائیلیها) بر این بود که برده داشته باشند. فردی به بازار می‌رفت و برده‌ای می‌خرید تا برای او کار کند. مطابق شریعت برده‌دار باید نسبت به غلام یا برده خود مهربان باشد. قانون می‌گفت

پس از ۶ سال کار، صاحب برده باید او را آزاد کند. اگرچه گاهی پس از تمام شدن ۶ سال، چون برده آقايش را دوست داشت نمی‌خواست از پيش او برود و می‌گفت: «آقايم را دوست دارم و نمی‌خواهم آزاد شوم.» تصویر شماره ۱۳ را نشان دهید.

هر وقت چنین اتفاقی می‌افتاد، صاحب برده او را نزد داور می‌آورد. برده مقابل در می‌ایستاد و اجازه می‌داد آقايش با جسم تیزی گوشش را سوراخ کند. این سوراخ به مردم نشان می‌داد که این برده نمی‌خواسته از پيش آقايش برود. از آن به بعد، همه می‌دانستند که او می‌خواهد صاحبش را غلامی کند. (خروج ۲۱: ۱-۶، تثنيه ۱۵: ۱۲-۱۷).



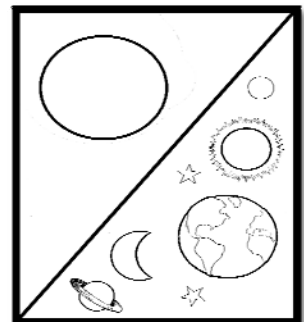
تجربه این برده، این را به یاد ما می‌آورد که خداوند عیسی مسیح بهای زیادی برای خریدن هر یک از ما از بازار گناه پرداخت کرده است. همه ما از زمان تولد برده گناه و شیطان هستیم. مجازات گناه مرگ است اما عیسی می‌خواهد که مال او باشیم. می‌خواهد ما را آزاد کند. بهایی که عیسی برای آزادی ما از مرگ و گناه پرداخت کرد، مالی و پولی نبود بلکه جانی بود. او به جای ما مرد. او مجازات ما را بر خود گرفت. او این بهای گران را پرداخت کرد تا روزی بتوانیم با او در خانه ابدی زندگی کنیم.

چون او ما را خریده، پس می‌خواهد به او خدمت کنیم. می‌خواهد که سرور و آقا و خداوند ما باشد. فکر کنید- کسی که بالاتر از هر پادشاه و رئیس‌جمهوری روی زمین است می‌خواهد تا مال او باشید. او می‌خواهد تا همه چیزهای خوبی را که دارد با ما قسمت کند. اما برای اینکه از همه چیزهای خوب بهره‌مند شویم، اول باید او را به عنوان سرور زندگی خود بپذیریم. امروز می‌توانید او را به عنوان آقایان بپذیرید. بیایید راجع به چند دلیل برای سپردن زندگی ما به خداوند فکر کنیم. (شاید به یاد دارید که بعضی از این نکات را در دروس گذشته ذکر کردیم.)

۲. عیسی یگانه فرزند خدا و خالق همه چیز است (عبرانیان ۱: ۱-۲)

تصویر شماره ۱۴ را نشان دهید.

۱. عیسی خداوند، پسر خداست. (عبرانیان ۱: ۱-۲ و ۸).
تصویر شماره ۱۴ (قسمت اول) را نشان دهید
الف. او ابدی، بدون هیچ شروع و پایانی است. درست مانند خدای پدر. (عبرانیان ۱: ۸، میکا ۵: ۲) (دایره درون تصویر هیچ آغاز و پایانی ندارد).



تصویر شماره ۱۴ (بخش دوم) را نشان دهید.

ب. او خالق (به همراه خدای پدر) جهان است: آسمان، زمین، ستارگان، خورشید، ماه و سیارات. (عبرانیان ۱: ۲ و ۱۰). او به همه چیز را آفرید و از هیچ همه چیز را خلق کرد. خداوند عیسی مسیح همه چیز را در سر جای خود آفرید. خورشید را در جای خود را درخشش بر زمین قرار داد. او باد و باران و برف را می‌فرستد. (نگاه کنید به عبرانیان ۱: ۳ و اول قرنتیان ۸: ۶)

۲. خداوند عیسی کامل است. (دوم قرنتیان ۵: ۲۱) وقتی عیسی بر زمین زندگی می‌کرد، آزمایش شد ولی گناه نکرد. و به همین خاطر در آزمایشات زندگی ما را درک می‌کند و کمک می‌کند تا از وسوسه دور شویم. (عبرانیان ۲: ۱۸ و اول قرنی وقتی عیسی بر زمین زندگی می‌کرد، آزمایش شد ولی گناه نکرد. و به همین خاطر در آزمایشات زندگی ما را درک می‌کند و کمک می‌کند تا از وسوسه دور شویم. (عبرانیان ۲: ۱۸ و اول قرنتیان ۱۰: ۱۳)

۳. عیسی با انجام معجزات خداوندی خود را ثابت کرد (عبرانیان ۲: ۴)

تصویر شماره ۱۵ را نشان دهید.

۳. عیسی مسیح با معجزات زیاد و نشانه‌ها و کارهای عجیبش روی زمین ثابت کرد که خداوند است. (عبرانیان ۲: ۴)

تصویر شماره ۱۵ (قسمت اول) را نشان دهید.

الف. او ثابت کرد که خداوندی است که همه نیازها را برآورده می‌کند. او با ۵ نان و دو ماهی به بیش از ۵۰۰۰ نفر خوراک داد. عیسی قادر است که همه نیازهای گرسنگان و تشنگان و بیماران و دردمندان در حال مرگ را برآورده کند.



تصویر شماره ۱۵ (قسمت دوم) را نشان دهید.

ب. او ثابت کرد که سرور همه کائنات است. او بر روی آب راه رفت و طوفان را آرام کرد.

تصویر شماره ۱۵ (قسمت سوم) را نشان دهید.

ج. او ثابت کرد که خدای جلال است. درخشندگی و نوری از او در هنگام صحبت با موسی و ایلیا روی کوه درکنار سه نفر از شاگردانش تابید، این نور تصویری از جلال آینده او بود.

معجزاتی که عیسی مسیح در زمان زندگی‌اش روی زمین انجام داد، حقه‌ها و شعبده نبودند بلکه از قدرت واقعی او بودند. چون او و خدای پدر خالق هستند پس همه رازهای طبیعت را می‌دانند. با قدرت کاملش قادر است هر

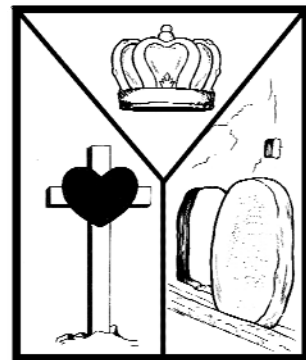
کاری را انجام دهد. (یوحنا ۱: ۱-۳). معجزات و کارهای عجیبش نیازهای انسانی را از طریق روشهای غیر انسانی برآورده کردند. او بر نیروهای طبیعت حاکم است و قدرت و تقدسش را نشان داد. چه خدای بزرگی!

۴. عیسی قدرت خود را بر گناه و مرگ ثابت کرد (عبرانیان ۱: ۳)

تصویر شماره ۱۶ را نشان دهید.

۴. عیسی مسیح ثابت کرد که بر مرگ و گناه قدرت دارد. (عبرانیان ۱: ۳، اول قرنی ثابت کرد که بر مرگ و گناه قدرت دارد. (عبرانیان ۱: ۳، اول قرنیتان ۱۵: ۲۰-۲۸) او این را با مرگ روی صلیب و قیامش از مردگان ثابت کرد. و تا ابد زنده است. (مکاشفه ۱: ۱۸)

او خدای است که بر مرگ غالب است چون
تصویر شماره ۱۶ (قسمت اول) را نشان دهید.



الف. نجات به همه آنهاپی که او را خداوند خطاب کنند داده می‌شود. (اعمال رسولان ۲: ۲۱، رومیان ۱۰: ۱۳) وقتی او بر روی صلیب مرد، گناهان ما را بر خود گرفت. (اشعیا ۵۳: ۶، اول پطرس ۲: ۲۴) او مجازات مرگ ما را پرداخت کرد. (رومیان ۶: ۲۳)
تصویر شماره ۱۶ (قسمت دوم) را نشان دهید.

ب. عیسی می‌تواند از مرگ رهایی ببخشد. (یوحنا ۵: ۲۴) - و ما را از ترس از مرگ آزاد کند (عبرانیان ۲: ۱۵). به این خاطر که خداوند عیسی مسیح از مردگان برخاست، پس هر کس در او تولد تازه داشته باشد دوباره زنده خواهد شد.

تصویر شماره ۱۶ (قسمت سوم) را نشان دهید.

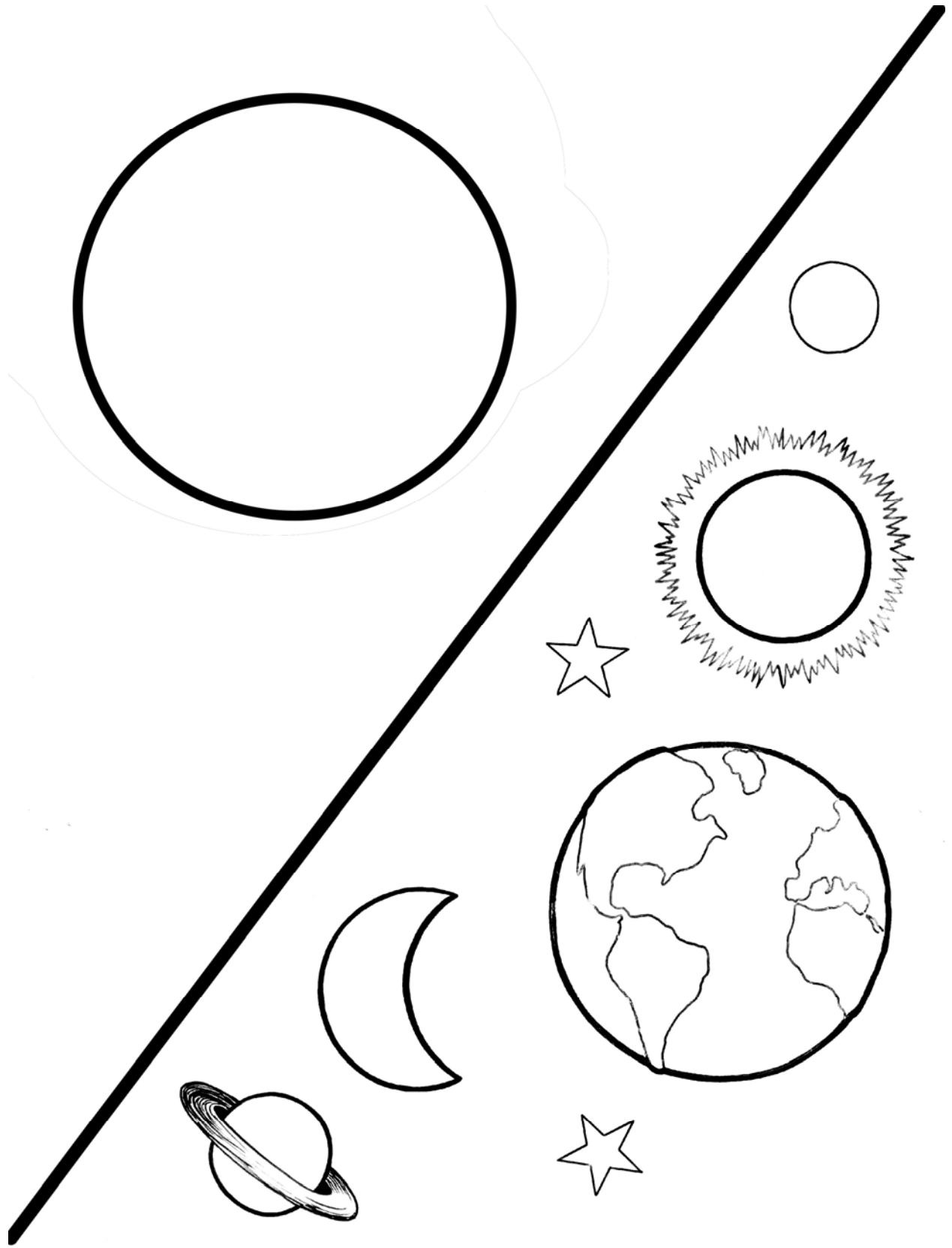
ج. روزی می‌آید که خداوند عیسی مسیح پادشاهی خواهد کرد و پادشاه پادشاهان و سرور سروران خواهد بود. (اول تیموثاوس ۶: ۱۵، مکاشفه ۱۷: ۱۴ و ۱۶: ۱۹. تاجی که در تصویر است این نکته را به ما یادآوری می‌کند). عیسی مسیح به راستی خداست. خداوند این را می‌گوید. کلام خدا می‌گوید که او خداوند است. شاگردان عیسی او را خداوند خواندند. ولی بسیاری از مردم زمین او را به عنوان خداوند نخواهند پذیرفت. اما روزی می‌رسد، وقتی همه در آسمان، بر زمین، و زیر زمین در مقابل عیسی به زانو درآمده و با زبان خود اقرار به خداوندی او خواهند کرد. (فیلیپیان ۲: ۱۰-۱۱). این نشان نمی‌دهد که همه مردم زمین نجات پیدا می‌کنند. شما زندگی جاودان را تنها با پذیرش او به عنوان نجات‌دهنده خواهید یافت. پس از مرگ، این کار

امکان پذیر نیست. در آن زمان، خواهید دانست که او به راستی خدای پر جلال است، اما دیگر نمی‌توانید او را به عنوان نجات‌دهنده بپذیرید.

آیا اجازه می‌دهید که او نجات‌دهنده شما باشد؟ آیا ایمان دارید که او پسر خداست؟ آیا ایمان دارید که او به خاطر گناهان شما مرد؟ آیا او را به عنوان نجات‌دهنده می‌پذیرید؟
اگر او را پذیرفته‌اید، آنقدر او را دوست خواهید داشت که از می‌خواهید که بر زندگی شما مسلط شود. او عیسی (نجات‌دهنده)، مسیح و خداوند است!



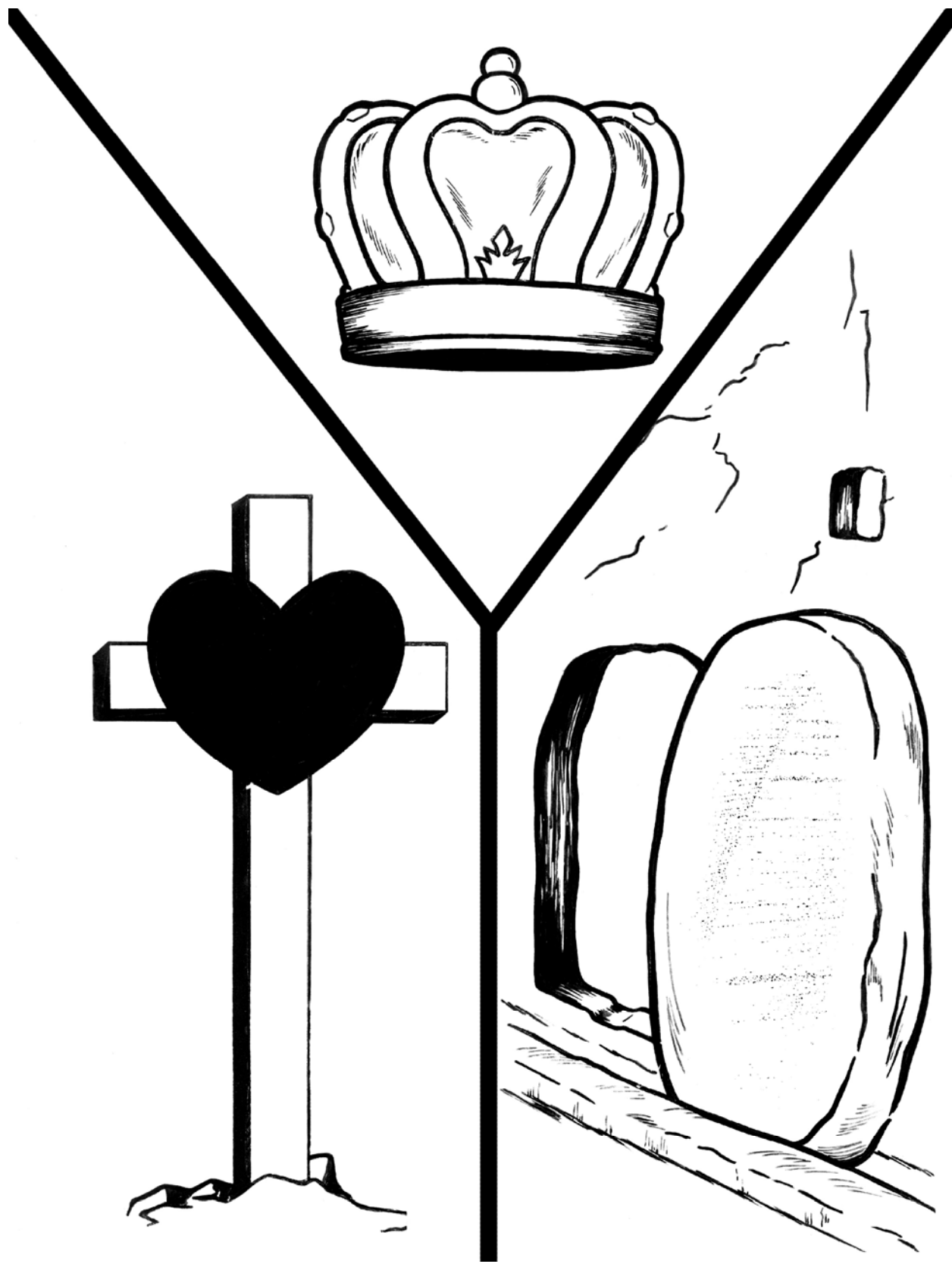
درس ۴: تصویر شماره ۱



درس ۴: تصویر شماره ۲



درس ۴: تصویر شماره ۳



درس ۴: تصویر شماره ۴